

## نقدی بر کتاب زنان مؤمنه از تهران

دکتر نزهت احمدی\*

واقفان مؤمنه از تهران، گردآوری و تدوین مصطفی میردامادی، محقق طرح: بهروز محمدیگی، تهران، اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، ۱۳۸۲ ش.

### چکیده

وقف‌نامه‌ها، اسناد بسیار باارزشی هستند که غالباً همزمان با انجام عمل وقف تهیه و تنظیم شده‌اند و امروزه به‌صورت نسخه‌اصل سواد یا رونوشت به‌دست ما رسیده‌اند و علاوه بر مسائل مربوط به وقف اطلاعات باارزش دیگری در خود دارند. در این خصوص از جمله انتقاداتی که بر کتاب زنان مؤمنه از تهران وارد است محتوای کتاب، تنظیم و تبویب آن و لزوم انتخاب نامی صحیح برای کتاب می‌باشد. کلیدواژه: وقف‌نامه، واقفان مؤمنه، سیدمصطفی میردامادی.

واقفان مؤمنه از تهران، مروری بر نمونه‌ای از موقوفات زنان خیراندیش استان تهران است، بی‌شک اسناد، یکی از منابع بسیار با اهمیت در پژوهش‌های تاریخی است، که کم و بیش همیشه مورد استفاده محققان قرار گرفته است و حتی بسیاری از نویسندگان دوره‌های پیشین ادعا داشته‌اند که کتب خود را با اتکاء به اسناد دولتی تهیه کرده‌اند. امروزه نیز یکی از مواردی که بر اعتماد ما نسبت به منابع دست اول می‌افزاید، میزان استفاده از اسناد و نیز میزان دسترسی به اسناد و مدارک دولتی و دیوانی است.

E-mail: n\_Ahmady41@yahoo.com

\*. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س).

اسناد و مدارک بر جای مانده از دوره‌های مختلف تاریخی می‌تواند راه‌گشای محققان در تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی باشد. چرا که نه تنها این اسناد از تحریفات معمول نسبتاً به دور مانده، بلکه غالباً به مواردی اشاره دارد که در کتب تاریخی ذکری از آن‌ها به میان نیامده است. از این روی توجه به اسناد می‌تواند پژوهش‌های تاریخی را کامل‌تر و مستندتر نماید.

گاه میزان صحت و سقم متون تاریخی با محک اسناد سنجیده می‌شود و در واقع اسناد، قدرت داوری در خصوص برخی ادعاهای منابع را به دست می‌دهند. از این روی پژوهش‌های تاریخی که مبتنی بر اسناد نیستند، غالباً از اعتبار کمتری برخوردارند.

جای بسی خوشوقتی است که امروزه به‌ویژه در دو دهه اخیر توجه ویژه‌ای به اسناد شده است و محققان داخلی و خارجی به این مهم پرداخته‌اند. به‌طور کلی شیوه کار با اسناد به چند گونه می‌باشد. عده‌ای درصدد برآمده‌اند تا از این اسناد فهرست‌هایی تهیه و منتشر کنند، برخی با این قصد که اسناد بتواند در اختیار همه پژوهشگران قرار بگیرد، آن‌ها را بازخوانی و گاه تصحیح کرده و به چاپ رسانده‌اند. برخی به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند و گروهی دیگر به تحلیل محتوا و گاه استفاده موردی از برخی اسناد و یا از پاره‌ای از اطلاعات آن مبادرت کرده‌اند. به هر حال در دهه‌های اخیر با حجم قابل توجهی از این‌گونه پژوهش‌ها رو به‌رو هستیم و هر کدام به نوبه خود مفید و مثمر‌تر می‌باشد. به‌ویژه که به دست آوردن یک سند و استفاده از آن حتی در شرایطی که محقق به‌مکان نگهداری آن کاملاً واقف است کاری بس دشوار و گاه حتی در مواردی ناممکن است از این‌روی باید از کسانی که به‌نوعی در پی انتشار اسناد هستند قدردانی کرد که دسترسی آسان‌تر محققان را میسر ساخته‌اند.

به‌طور کلی اسناد گونه‌های مختلفی دارند که یکی از آن‌ها وقف‌نامه است. وقف‌نامه‌ها اسنادی بسیار با ارزش هستند که می‌توان آن‌ها را در نوع خود بی‌نظیر دانست. این وقف‌نامه‌ها که غالباً همزمان با انجام عمل وقف تهیه و تنظیم شده‌اند و امروزه به‌صورت نسخه اصل، سواد و یا رونوشت<sup>۱</sup> به دست ما رسیده‌اند و علاوه بر مسایل مربوط به وقف، در خود اطلاعات گران‌قدر دیگری را نیز ذخیره کرده‌اند که می‌تواند محققان را برای شناخت بهتر تاریخ آن دوره یاری رساند. یکی از جنبه‌های باارزش این نوع اسناد آن است که آن‌ها برای ارائه چنین اطلاعاتی تهیه نشده‌اند بلکه صرفاً به‌منظور رسمیت‌بخشیدن به عمل وقف و مشخص نمودن موارد وقف و

مسایلی که مورد توجه واقف بوده و ذکر آن‌ها را برای بقای موقوفه خود ضروری می‌دانسته، تدوین شده‌اند و از این‌روی اطلاعات جانبی مندرج در آن‌ها کمتر دچار تحریف شده است.

اما باید توجه داشت خاص اعتبار اسناد و یا تنها به دلیل کثرت توجه به این گونه اسناد نبایستی انگیزه کار انتشار اسناد باشد.

به هر حال هر گاه مقاله یا کتابی در این خصوص به دست می‌رسد خواننده انتظار دارد بتواند از آن باری علمی ببرند و چیزی بر دانسته‌های خود بیفزاید و یا دست‌کم بتواند مبنای پژوهش‌های بعدی قرار دهد. در واقع این اولین و ابتدایی‌ترین خواسته خواننده‌ای است که به سراغ چنین پژوهش‌هایی می‌رود. اما متأسفانه میزان اطلاعاتی که غالباً این گونه کتب در اختیار می‌گذارند به اندازه نیاز محققان نیست، در مواردی ضعف در خواندن و تصحیح متن اصلی دیده می‌شود که استناد به آن را دشوار می‌سازد، در مواردی اطلاعات به‌طور ناقص و گاه به‌صورت دستچین شده براساس سلیقه مؤلف ارائه شده است و یا مواردی از این دست که به هر حال این معایب از اعتبار کار می‌کاهد.

البته باید توجه داشت که صرف قرار دادن چند سند در کنار همدیگر به‌ویژه وقتی که اسناد به‌طور کامل بازخوانی و چاپ نشده‌اند و نویسنده تنها پاره‌ای از اطلاعات مندرج در سند را ارائه می‌کند، تنظیم و تدوین صحیح این اطلاعات نقش مهمی در غنا یا بی‌ثمر بودن کار دارد.

اولین قدم برای شروع کار آن است که مسأله برای نویسنده کاملاً تعریف شده و روشن باشد؛ وی بداند به دنبال چه چیزی است و می‌خواهد چه مسأله‌ای را روشن سازد. اگر کار به‌صورت تحلیل باشد؛ که بحث مفصل است، باید از ابتدا موضوع، پرسش‌ها و در نهایت فرضیه کار برای وی روشن باشد و بداند در طی کار با چه متغیرهایی سرو کار دارد.

در مجموعه‌هایی که صرفاً به بازخوانی و چاپ اسناد می‌پردازند، علاوه بر دقت در قرائت صحیح و برطرف نمودن مشکلات و احیاناً تصحیح اغلاط مندرج در متن سند، انتظار می‌رود که دست‌کم نویسنده نظمی منطقی را در تنظیم اسناد رعایت کند. گونه‌ای دیگر از مجموعه اسناد نیز وجود دارند که صرفاً به معرفی اسناد پرداخته‌اند. در این مجموعه‌ها غالباً محل نگهداری سند و مشخصات اصلی آن آورده شده است. اما

این بدان معنا نیست که نویسنده مقید به رعایت هیچ‌گونه نظمی در تنظیم این اسناد نباشد.

چندی قبل کتابی منتشر شد که زمینه را برای یادآوری برخی تذکرات جهت محققان که قصد کار با اسناد را دارند ضروری ساخت. کتابی تحت عنوان واقفان مؤمنه از تهران، مروری بر نمونه‌ای از موقوفات زنان خیر اندیش استان تهران. ضمن تشکر از دست‌اندرکاران تألیف و چاپ کتاب با امید به آن که سنت نقد علمی در محافل علمی ایران بتواند مانند سایر جهان جایگاه خود را به دور از هر گونه حب و بغضی باز نماید و بر بار علمی کارهای پژوهشی بیفزاید مواردی چند به نظر آمد که در این جا ذکر می‌شود.

پیش از هر چیز انتخاب نامی صحیح بر کتاب لازم و ضروری است. نامی که بهتر است دارای بار ارزشی خاص نباشد و از آن مهم‌تر صحیح هم باشد. با توجه به سابقه وقف و موقوفات می‌دانیم که استفاده از لفظ مؤمن برای تمام زنان واقف و یا به اصطلاح «واقفه» با توجه به معنای مؤمن نه تنها در قرآن کریم بلکه در بین عوام، غیر ممکن است. این مورد نیاز به توصیف بیشتر ندارد چرا که تمامی کسانی که با اسناد وقفی کار کرده‌اند می‌دانند که نمی‌توان تمامی مردان و زنان واقف را مؤمن و یا حتی انگیزه‌های وقف را در تمامی افراد یکسان دانست.

کتاب را می‌توان از دو منظر صوری و محتوایی مورد بررسی قرار داد. از لحاظ صوری برخی قواعد مربوط به تنظیم فهرست دیده نمی‌شود. در فهرست مطالب رعایت فصول یا بخش‌های کتاب نشده است و در نگاه اول حتی نمی‌توان تشخیص داد که کدام مبحث زیر مجموعه دیگری است. ابتدا پیشگفتار و مقدمه آورده شده و سپس بدون مشخص کردن آن که فصل یا بخش آغاز می‌شود خواننده با عنوان «تاریخ و فلسفه وقف» روبه‌رو می‌شود. سپس در ذیل این عنوان عدد «۱» گذاشته شده و سپس سوتیترهای بعدی بدون آن که رعایت تورفتگی معمول در فهرست‌ها انجام شود با همان اعداد ۱، ۲... و با همان فونت نگارش آورده شده که خواننده را دچار سردرگمی می‌کند (البته وقتی به اصل متن مراجعه شود عنوان «تاریخ و فلسفه وقف» و سپس تمامی سوتیترهای یاد شده همگی زیر مجموعه مقدمه آورده شده‌اند).<sup>۲</sup> سپس موارد مختلفی (که بعداً از لحاظ محتوایی مورد بررسی قرار می‌گیرد) آورده شده و بعد از آن تیسیر «مبحث دوم: تاریخ وقف در جوامع اسلامی» آمده است. این در حالی است که

همان‌طور که ذکر شد در ابتدا چیزی به‌عنوان مبحث اول و ... آورده نشده است. سپس سه سوتیتر دیگر بدون شماره‌گذاری ذکر شده و در زیر آخرین آن‌ها که عبارت «نگاهی به آثار وقف در جوامع اسلامی» است، سوتیترهایی با شماره‌گذاری از ۱ تا ۹ آورده شده‌اند. از این قسمت به بعد دیگر هیچ‌گونه شماره‌گذاری دیده نمی‌شود در حالی که چند مطلب مختلف ارائه شده است. ابتدا عنوان «متن وقفنامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)» سپس «ترجمه»، «برخی از اهداف وقف که در وقفنامه‌ها آمده است»، «توضیح اصطلاحات استفاده شده در کتاب»، «تذکرات» و به‌دنبال همه این‌ها اسامی واقفان با عبارت «واقفه مؤمنه ...» آورده شده است.

خواننده با مراجعه به این فهرست دچار آشفتگی شده و نمی‌تواند مطالب را به هم پیوند دهد؛ اما بیشترین انتقاد بر محتوای کتاب وارد است و می‌توان تا حدی اشکالات صوری را برعهده ناشر و حروفچین گذاشت و یا حتی با دیده اغماض از آن گذشت. ولی ایرادات محتوایی نیاز به بازبینی مجدد دارد.

از لحاظ اصول روش تحقیق هماهنگی مطالب و ارتباط آن با عنوان کتاب و با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. در این کتاب ۴۹ صفحه به مطالبی پرداخته شده است که بی‌تردید هیچ ربط منطقی با عنوان کتاب و حتی با یکدیگر ندارند.

آن‌طور که از متن مشخص می‌شود مقدمه تا صفحه ۵۷ ادامه دارد و شامل تمامی عناوین گفته شده تا پیش از آوردن اسامی واقفان می‌باشد. در این مقدمه که بلافاصله بعد از تیتر مقدمه، دو سوتیتر «تاریخ و فلسفه وقف» و «۱. تاریخ وقف» آمده است، به اندازه حدود یک صفحه در خصوص «حبس» توضیح داده شده است که در واقع این مطالب نه فلسفه وقف است و نه تاریخ وقف. پس از آن عناوین زیر آورده شده است.

۱. وقف در میان عراقیهای قدیم

۲. وقف در میان مصریان قدیم

۳. وقف در میان رومیان

۴. وقف در میان آلمانیها

۵. وقف در کشور فرانسه

اهداف چنین وقفی عبارت است از:

۶. وقف در حقوق انگلوساکسون (حقوق قدیم انگلستان و آمریکا)

با دقت در این عنوان‌ها و حتی بدون در نظر گرفتن محتوای مطالب این تیترها، به

نظر می‌آید این مطالب نه تنها با فلسفه وقف ارتباطی ندارد بلکه هیچ تاریخچه صحیح و منطقی از وقف را نیز در اختیار نمی‌گذارد و همچنین خواننده با این سؤال اساسی روبه‌رو می‌شود که علت انتخاب این ملت‌ها و کشورها چه بوده است و آیا می‌توان در حدود یک صفحه و یا کمتر تاریخ وقف در این مکان‌ها را بیان کرد و در نهایت علت انتخاب و ترجیح مثلاً «وقف در حقوق انگلوساکسون (حقوق قدیم انگلستان و آمریکا)» چه بوده است؟ و چرا بقیه مناطق حذف شده‌اند؟ و اصلاً این مباحث با موقوفات بانوان تهران چه ارتباط منطقی دارد؟ این‌ها برخی از پرسش‌هایی است که در ذهن خواننده نقش می‌بندد، به‌ویژه آن که به یاد داشته باشیم چنین کتاب‌هایی را غالباً تنها کسانی مطالعه می‌کنند که با اسناد و اسناد وقفی بیگانه و ناآشنا نیستند.

تقریباً در پایان این مقدمه مفصل، متن وقف‌نامه حضرت علی (ع) و ترجمه آن ذکر شده است که باز همان پرسش‌های پیشین را در ذهن تداعی می‌کند که مثلاً ارتباط حضرت علی (ع) با یکی از قوانین امروز فرانسه که از نظر نویسنده محترم کتاب شبیه با وقف اولادی می‌باشد،<sup>۳</sup> چیست؟ به‌ر حال از این دست انتقادات در کتاب زیاد دیده می‌شود.

مورد دیگری که ذکر آن بی‌ثمر نخواهد بود رعایت معنای واژه‌ها و مفاهیم است. در متن بارها با واژه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که در جای خود به کار برده نشده‌اند. در صفحه ۳۳ در پایان مطالب عنوان «نگاهی به آثار وقف در جوامع اسلامی» نوشته شده «اینک فهرست تعدادی از اصول وقف:» سپس در زیر این عبارت عناوین زیر آمده است: «۱- مسجد ۲- مدرسه ۳- مشهد ۴- زاویه ۵- مصنعه ۶- مقبره ۷- بیت‌الکتاب (مخزن الکتب) ۸- بیمارستان ۹- رباط».

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان دریافت که نویسنده محترم معنای اصول<sup>۴</sup> را با موارد اشتباه کرده است. تا جایی که نویسنده اطلاع دارد این موارد از اصول وقف محسوب نمی‌شوند. به‌طور کلی اصول وقف عبارت از شرایطی است که وقف براساس آن پی‌ریزی شده، تحقق می‌یابد.

متأسفانه نمی‌توان این خطا را اشتباه چاپی دانست چرا که توضیحات مربوط به برخی از این موارد باز بر روی کلمه اصول تأکید شده است. مثلاً «مصنعه» از اصول وقف شمرده است. در متن چنین آمده است: «مصنعه که جمع آن مصانع است، یکی از اصول وقف است».<sup>۵</sup> همان‌طور که نویسندگان کتاب توضیح داده‌اند مصنعه به معنای

آبانبار<sup>۶</sup> است و تا جایی که نویسنده اطلاع دارد آبانبار در زمره اصول وقف نیست بلکه از موارد وقف است و نمونه‌های بسیاری از آن در ایران مشاهده می‌شود. البته ناگفته نماند که کلیه مطالب آورده شده در مقدمه به نوعی غیر ضروری و غیر مرتبط با موضوع معرفی وقف‌نامه‌های بانوان تهرانی می‌باشد<sup>۷</sup> و نویسندگان محترم کتاب می‌توانستند بدون آن که خود را درگیر چنین مطالبی کنند به موضوع اصلی بپردازند.

اما متن اصلی از صفحه ۶۱ آغاز می‌شود. در این قسمت ابتدا نام وقف<sup>۸</sup> آورده شده و سپس مواردی از وقف‌نامه ذکر شده است. این همان شیوه‌ای است که در معرفی بسیاری از اسناد به کار می‌رود. در این جا انتظار آن است که نظامی منطقی بر سراسر کار احاطه داشته باشد. ابتدا آن که ترتیب اسامی افراد بر اساس قاعده‌ای خاص باشد. مثلاً بر اساس حروف الفبایی یا بر اساس تاریخ وقف، که البته چنین چیزی در متن دیده نمی‌شود و دومین مورد آن که شماره‌گذاری‌های ارائه شده هر کدام نماد یک مورد خاص باشند. به عنوان مثال شماره ۱ در تمام وقف‌نامه‌ها، نام واقف را بیان کند و شماره ۲ تاریخ وقف و قس علی هذا. اما متأسفانه اشکال عمده کار در همین جا است که این مطالب دارای هیچ قاعده و نظامی نیستند. تنها نظامی که در این کتاب دیده می‌شود تفکیک وقف‌نامه‌ها بر اساس حوزه عملکرد هر کدام از آنها می‌باشد. برای روشن شدن مطلب در این جا تنها به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم.

اولین وقف‌نامه از خانم طلعت صبوچی به تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۶ است در حوزه اوقاف شرق تهران (ص ۶۱). در همین حوزه مثلاً صفحه ۱۲۱ وقف‌نامه خان بلقیس حکیمی به تاریخ ۱۳۴۰/۶/۱۹ آورده شده است که اگر قرار باشد ترتیبی وجود داشته باشد چه از نظر نام و چه نام‌خانوادگی و چه تاریخ وقف، وقف‌نامه دوم می‌بایست پیش از وقف‌نامه اول آورده می‌شد. این بی‌نظمی تا پایان کتاب به همین صورت دیده می‌شود.

در مورد شماره‌گذاری‌های «مواردی از وقف‌نامه» نیز همین ناهماهنگی دیده می‌شود. به عنوان نمونه شماره ۱ برخی از وقف‌نامه‌ها در این جا مورد بازبینی قرار می‌گیرد:

مورد ۱ از وقف‌نامه خانم طلعت صبوچی، ص ۶۱: «بعد از تعیین متولی و شرایط آن همین طور ناظر استصوابی می‌تواند در صورت بروز حوادث برای موقوفه آن را تبدیل به احسن و یا مبادله یا معاوضه نماید».

مورد ۱ از وقف‌نامه خانم اختر گنج، ص ۸۶: «مورد وقف شش دانگ یک دستگاه آپارتمان است».

مورد ۱ از وقف‌نامه خانم محترم خانم، ص ۸۷: «مورد وقف صحیحه شرعیه و حبس مخلد ملی است».

مورد ۱ از وقف‌نامه خانم سکینه وقارالدوله، ص ۹۰: «واقفه مؤمنه سکینه وقارالدوله».

مورد ۱ از وقف‌نامه خانم سکینه پورسعید، ص ۹۹: «ملک موقوفه بایستی به نام دبیر محل یعنی دبیرستان پورجعفری باشد».

مورد ۱ از وقف‌نامه خانم بلقیس حکیمی، ص ۱۲۱: «مورد وقف یک باب عمارت شخصی مشتمل بر بیرونی و اندرونی است».

مورد ۱ از وقف‌نامه خانم رقیه خانم، ص ۱۲۲: «موقوفه وقف برای روضه خوانی سیدالشهداء علیه‌السلام».

وقس علی هذا. این ناهماهنگی تا آخر کتاب و در تمام شماره‌ها دیده می‌شود که برای روشن شدن بهتر مطلب و مقایسه، با انتخاب اتفاقی موارد دو وقف‌نامه که در یک صفحه نوشته شده است با وقف‌نامه‌ای در صفحه‌ای دیگر در زیر آورده شده است.

#### واقفه مؤمنه شهربانو در چناران مواردی از وقف‌نامه:

۱. واقفه مؤمنه موقوفه خود را وقف صریح شرعیه اسلامی نموده است برای جناب حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و مخارج روضه خوانی و عزاداری.

۲. تولیت آن را به آقای روح‌الله برادر خودشان و آقای خان محمد نسل بعد نسل با فرزندان پسر واگذار نموده است.

۳. در صورت انقراض نسل تولیت با صلاحدید چند نفر از پیرمردان خواهد بود. واقفه مؤمنه شهربانو در چناران، ۱ تعداد رقبه، کلاسه موقوفه ۱۶-ش، تاریخ وقف نامه ۳۹/۱/۱، نوع وقف‌نامه عادی، نوع رقبه زمین، درآمد تخمینی ۲۹۴/۰۰۰ ریال، محدوده عملکرد اوقافی متصرفی، محل وقوع موقوفه چنار غرب از توابع دماوند، نیت واقفه مراسم مذهبی و روضه‌خوانی، محل مصرف حسینی چنار، زمان مصرف ایام محرم.



### واقفه مؤمنه سارا بیگم گل خندان

مواردی از وقف‌نامه:

۱. واقفه مؤمنه سارا بیگم گل خندان
۲. با ۱ تعداد رقبه
۳. کلاسه موقوفه ۱-س
۴. نوع رقبه زمین
۵. محدود عملکرد اوقافی متصرفی دماوند
۶. نیت واقفه تعزیه‌داری سیدالشهداء علیه‌السلام در ماه محرم<sup>۹</sup>

### واقفه مؤمنه صراحی

مواردی از وقف‌نامه:

۱. موقوفه وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملّی اسلامی است.
۲. عواید موقوفه صرف تعزیه‌داری جناب سیدالشهداء علیه‌السلام
۳. جناب ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام
۴. منافع موقوفه هر سال در تکیه قریه ایام عاشورا خرج
۵. طعام
۶. شربت
۷. اجرت روضه‌خوان
۸. ملزومات دیگر<sup>۱۰</sup>
۹. تولیت موقوفه مادام‌الحیات با خود واقفه
۱۰. بعد با فرزندان پسر آقای رمضانعلی
۱۱. بعد فرزندان دختر

۱۲. و با انقراض نسل، تولیت با متدینین قریه خواهد بود.<sup>۱۱</sup>

واقفه مؤمنه صراحی، یک تعداد رقبه، کلاسه موقوفه ۳-ص، شماره وقف‌نامه ۱۳۲۸، نوع رقبه مزروعی،<sup>۱۳</sup> درآمد تخمینی ۲۵/۰۰۰ ریال،<sup>۱۴</sup> محدوده عملکرد اوقافی فیروز کوه، محل وقوع موقوفه جلیزجند، پلاک ثبتی ۳۰۷، نیت واقفه تعزیه‌داری، محل مصرف جلیزجند، زمان مصرف ایام محرم، نوع وقف نامه عادی.<sup>۱۵</sup> «<sup>۱۶</sup> علاوه بر موارد ذکر شده، گاه اشتباهاتی در خصوص خواندن وقف‌نامه‌ها نیز وجود

دارد از جمله در صفحه ۱۲۰ وقف‌نامه خانم اشرف کام‌بخش تاریخ وقف‌نامه «۱۲۷۸/۷۸۹» ذکر شده است. ۱۷ البته می‌توان بخشی از آن را اشتباهات چاپی دانست. در پایان باید گفته شود که خوب بود اگر نویسندگان محترم ترتیب خاصی را برای تنظیم وقف‌نامه‌ها در نظر می‌گرفتند. به عنوان مثال اعدادی را که برای موارد وقف در نظر گرفته‌اند، بدین صورت بود که هر عدد نماینده یک مورد مشخص باشد. مثلاً عدد ۱ نام واقف، ۲ تاریخ وقف، ۳ نوع وقف و الی آخر و اگر احیاناً مواردی در برخی وقف‌نامه‌ها ذکر نشده بود و یا به هر دلیل ناخوانا بود، با خالی گذاشتن شماره آن و یا قرار دادن علامت سؤال در مقابل عدد مورد نظر، نشان دهند که ابهامی در وقف‌نامه وجود دارد. یا آن که از آوردن آن عدد خودداری کنند و تنها عدد مربوط به موردی را که در متن وقف‌نامه آورده شده است بنویسند.

نهایت آن که اگر قرار است اسنادی به زیور چاپ آراسته شوند می‌بایست پیش از هر چیز دقت لازم در تدوین آنها به کار رود. در خاتمه باید گفته شود که مراد از نوشتن این مطالب تنها جلب توجه محققان جوانی بود که مصمم هستند در آینده با اسناد کار کنند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. لازم به ذکر است که بیشتر وقف‌نامه‌هایی که از پیش از دوره صفویه بر جای مانده به صورت نسخه سواد (بیاض) است.

۲. فهرست به صورت زیر آورده شده است:

پیشگفتار

مقدمه

مبحث اول: تاریخ و فلسفه وقف

(۱) تاریخ وقف

۱. وقف در میان عراقیهای قدیم

۲. وقف در میان مصریان قدیم

۳. وقف در میان رومیان

۴. وقف در میان آلمانیها

۵. وقف در کشور فرانسه

اهداف چنین وقفی عبارت است از:

۶. وقف در حقوق انگلوساکسون (حقوق قدیم انگلستان و آمریکا)

هدف از نهاد حقوقی تراست

انحلال تراست (اتحادیه کشورهای غیر دولتی)

مبحث دوم: تاریخ وقف در جوامع اسلامی

۲) فلسفه مشروعیت وقف

وقف و اهداف عمومی آن

وقف و اهداف غیر عمومی آن

نگاهی به آثار وقف در جوامع اسلامی

۱. مسجد

۲. مدرسه

۳. مشهد

۴. زاویه

۵. مصنعه

۶. مقبره

۷. بیت‌الکتب (المخزن الکتب)

۸. بیمارستان

۹. رباط

متن وقف‌نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

ترجمه

برخی از اهداف وقف که در وقف‌نامه‌ها آمده است

توضیح اصطلاحات استفاده شده در کتاب

تذکرات

واقفه مؤمنه طلعت صبحی

....

۳. ص ۲۱.

۴. اصول: «ج اصل، اساس‌ها و بیخ و بن‌ها ... ریشه‌ها و اصول...». قواعد، قوانین، پایه‌ها: قواعد و قوانینی که هر علم بر آنها استوار شود. در برابر فروع. فرهنگ دهخدا.

۵. ص ۳۷. (البته موارد دیگر نیز به‌عنوان اصول وقف معرفی شده‌اند که در این جا فقط به‌ذکر یک نمونه بسنده شد.)

۶. مصنعه: «آبگاہ، جای گردآمدن آب باران، آب انبار.» فرهنگ دهخدا.

۷. لازم به‌ذکر است که از آن جایی که موضوع این کتاب به‌طور خاص به بانوان تهران اختصاص یافته، آوردن نمونه‌ها و شواهد نیز می‌بایست از میان همین وقف‌نامه‌ها انتخاب شود در حالی‌که نه تنها چنین نیست بلکه بیشتر مصداق‌ها از کشورهای دیگر مانند مصر و لبنان و غیره و از لحاظ زمانی نیز نامرتبط با تاریخ موقوفه‌های بانوان تهران است. به‌عنوان نمونه نگاه کنید به صفحات: ۴۰، ۴۱ و ۴۸.

۸. در وقفنامه‌ها غالباً برای بانوان کلمه «واقفه» آورده شده است اما از آنجا که «ة» تأنیث مختص زبان عربی است الزاماً در زبان فارسی نیازی به آوردن آن مشاهده نمی‌شود.  
۹. ص ۱۵۵.
۱۰. هفت شماره به مصرف موقوفه اختصاص یافته است. در حالی که در بیشتر وقفنامه‌ها تنها در یک شماره آورده شده است، البته صحیح نیز آن است که تنها یک شماره به یک موضوع اختصاص یابد.
۱۱. در چهار شماره تنها به مسأله تولیت پرداخته شده است در حالی که در بیشتر وقفنامه‌ها تنها تولیت در یک شماره آورده شده است.
۱۲. جای شک است که مراد تاریخ وقف بوده است یا شماره وقفنامه!
۱۳. در دو وقفنامه پیشین نوشته شده: «نوع رقبه زمین» و در این وقفنامه نوشته شده است «نوع رقبه مزروعی». آیا منظور آن است که دو مورد قبلی زمین‌ها مزروعی نیست؟! به هر حال از این گونه موارد در سرتاسر کتاب نمونه‌های بسیاری دیده می‌شود.
۱۴. این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که در تعیین درآمد هر موقوفه به پول رایج کشور می‌بایست تاریخ آن دقیقاً مشخص باشد تا دست‌کم با در نظر گرفتن میزان تورم سالانه به‌طور تقریبی درآمد موقوفه مشخص شود. البته اصلح آن است که درآمد به‌طور تخمینی به میزان محصول برآورد شود.  
۱۵. صص ۳۶۲-۳۶۳.
۱۶. با کمی دقت در این سه وقفنامه، خواننده در می‌یابد که هیچ نظم منطقی بر ترتیب و تنظیم موارد وقفنامه‌ها وجود ندارد.
۱۷. البته برخی اشتباهات چاپی نیز در متن دیده می‌شود که اطلاعات مربوط به وقفنامه را مخدوش می‌کند، مانند وقفنامه فاطمه سلطان خانم، ص ۹۸ که از شماره ۲ شروع شده است.